

تحلیل ساختار فضایی در محلات سنتی شهری براساس نظام مراکز محله (نمونه موردی: محله سنگلج، تهران)

حامد عابدینی: کارشناس ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.
Hamedabdn@yahoo.com

چکیده

تحولات شهر در دوران معاصر، بیشترین آسیب را به محلات تاریخی وارد ساخته است. مدرنیزاسیون از بالا که سرآغاز این تغییرات بنیادین بوده، توسعه بی‌رویه شهرها را به دنبال داشته و موجب فرسودگی و ناکارآمدی محلات سنتی شده است. این پهنه‌های شهری زمانی در توازن کارکردی قرار داشته و با لایه‌های آشکار و پنهان خود، نیازهای شهروندان را پاسخگو بوده‌اند. مراکز محله از وجوه اصلی این قبیل محلات است که کانون اصلی تعاملات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در مقیاس محله و منطبق بر کنش‌های شهروندی بوده که در گذر زمان شکل گرفته‌اند. در بچبوجه تحولات معاصر محلات، این الگوی مراکز محله نیز قابلیت خود را از دست داده و جایگزینی در مقیاس محله برای آن ایجاد نمی‌گردد. هدف این پژوهش خوانش الگوی شبکه مراکز محله سنگلج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات تاریخی آن‌ها در جهت بازیابی آن منطبق بر نیازهای شهروندان معاصر است. از همین منظر این پژوهش با انتخاب محله سنگلج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات تاریخی تهران که درگیر معضل فرسودگی می‌باشد، به مطالعه نظام عملکردی مراکز محله در آن می‌پردازد. لذا با اتخاذ نگرش کاربردی و کیفی، روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی مبانی محله و مرکز محله پرداخته و با مشاهدات میدانی و وضعیت بافت فرسوده محله سنگلج را واکاوی می‌کند. یافته‌های این پژوهش بیانگر شبکه‌ای از فضاهای جمعی محله است که با سیستم دسترسی ارگانیک خود با یکدیگر در ارتباط بوده و هرکدام به تناسب به نیازهای شهروندان پاسخگو بوده‌اند. نتیجه این پژوهش و بررسی‌های آن، به نیاز خوانش الگوی فضاهای مراکز محله در وضعیت امروزه بافت‌های فرسوده اشاره دارد و به ارائه راهکارهای در جهت احیای این نظام عملکردی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، مرکز محله، محله سنتی، شهرسازی مدرن، محله سنگلج.

۱. مقدمه

محله یکی از مهم‌ترین ارکان شهر سنتی است که به ساختار شهر شکل داده و سکونت افراد را در آن تأمین می‌کند. به‌واقع محلات گذشته یک مجموعه سکونتی می‌باشند که عناصر مختلف شهری در آن به تعادل زیستی رسیده بودند. در گذشته محله تنها مکانی برای سکونت نبوده، بلکه به‌عنوان نهاد مدیریت شهری، نهاد اجتماعی-فرهنگی، نهاد اقتصادی و نیز بخشی از استخوان‌بندی شهر بوده است (حناچی و رضایی، ۱۳۹۴، ۳۲). از این طریق عموم نیازهای شهروندان در سطوح مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در مقیاس محله برطرف شده و رابطه‌ای چندلایه و متوازن میان عناصر محله‌ای و روابط اجتماعی برقرار بوده است. این توازن ساختاری که به شکل ارگانیک و در طی سال‌های متمادی ایجاد شده بود با نگاه مدرنیستی به شهر در اوایل سده حاضر خور شیدی به یک‌باره دچار دگرگونی شده و تغییرات اساسی را به دنبال داشته است.

با ورود تفکرات و فناوری مدرن به ایران اثرات مثبت و منفی آن در زمینه‌های مختلف بروز یافت. برحسب شکل‌گیری صورت‌بندی‌های جدید اجتماعی-اقتصادی در کشور، نظام شهری و به‌تبع آن محله دچار دگرگونی اساسی شد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹). این امر با گذشت زمان، فرسودگی پهنه‌های شهری-تاریخی و محلات سنتی را ایجاد کرد و موجب شد تا محلاتی که زمانی پویا و کارآمد بوده‌اند به معضل شهری بدل شوند. عدم توجه به فرسودگی شهری منجر به توسعه برون‌زا و تهی شدن شهر می‌شود. تهی شدن بافت‌های تاریخی، آن‌ها را به محل اسکان مهاجرین تازه‌وارد، فقر، محرومیت و آسیب‌های اجتماعی تبدیل می‌کند (عندلیب و همکاران، ۱۳۹۳، ۳). این تحول در نظام فضایی و روابط اجتماعی درون محلات موجب شد تا عناصر محله‌ای نظیر گذر، مرکز محله، میدان محله، کوچه و بن‌بست، به‌مرورزمان جایگاه و نقش پیشین خود را از دست بدهند. از همین منظر، مراکز محله که در گذشته کانون فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی محله بود درگیر زوال معنایی و عملکردی شده و به دنبال آن الگوی جایگزینی در جهت پاسخگویی به نیاز ساکنین محله سنتی در دوران معاصر ارائه نگردید. با توجه به این مباحث، شهر تهران به‌موجب آن که اولین بستر بروز تحولات مدرنیته تازه‌وارد به ایران بود، هسته تاریخی آن که از پنج محله تشکیل شده، پیش از همه متأثر از این دگرگونی‌ها بوده و ساختار آن دستخوش تغییرات عمده‌ای گشت.

۲. بیان مسئله

محله سنگلج در هسته تاریخی شهر تهران یکی از محلاتی است که امروزه مقوله فرسودگی آن، از مسائل مهم و قابل توجه شهر است. این محله به‌عنوان یکی از محلات پنج‌گانه تهران پیش از پایتختی، هویت تاریخی پربراری را دربر می‌گیرد که امروزه با تحولات شهری پهلوی اول به بعد، دگرپسندی در وجوه مختلف آن حاصل آمده و هیچ‌گونه شباهتی به دوران قبل خود ندارد. این محله امروزه درگیر مسائل و معضلات عدیده از جنبه‌های گوناگون نظیر: فرسودگی کالبدی و کارکردی، فقدان امنیت لازم، بزهکاری اجتماعی، از بین رفتن هویت تاریخی، مهاجرت درون شهری و اسکان مهاجرین است. سازمان‌دهی سنگلج در گذشته شکل ویژه‌ای از محله سنتی را فراهم آورده بود. این محله از مجموعه معیار اصلی که به‌گذر معروف است تشکیل شده بود که درواقع علاوه بر کارکرد عبور و اتصال درون محله‌ای، محل تعاملات اجتماعی در سطح محله بوده است. این مسیرها درواقع شبکه اتصال مراکز محله به یکدیگر بودند که هرکدام به تناسب قابلیت خود به نیازهای شهروندان پاسخ می‌دادند و گذرها نیز بخشی از این فضاهای شهری درون محله‌ای محسوب می‌شدند.

امروزه تغییرات ایجادشده، این نظام عملکردی را دچار خلل کرده و دیگر کارکرد سابق را ندارد و با ورود وسایل نقلیه مسی‌ری‌های ارتباطی تناسب خود را از دست داده و مراکز محله به حاشیه رانده شده‌اند و به فضاهای ناکارآمدی بدل گشته‌اند. این الگوی کارکردی مراکز محله نمود بارزی از برقراری تعادل بین نیروها و عناصر مختلف شهری است که سالیان متمادی به‌درستی در ارتباط با روابط انسانی عمل کرده‌است. لذا با توجه به این موضوع که در برخی از این محلات هنوز بستر و محتوای این شبکه عملکردی موجود می‌باشد، بازنگری در آن می‌تواند ابزار مناسبی در جهت احیای بافت‌های فرسوده باشد. این امر علاوه بر خوانش روابط فضایی و توجه به اصالت تاریخی محله و الگوهای مؤثر آن در گذشته، نیازمند انطباق آن‌ها با نیازها و خواسته‌های روزآمد شهروندان است تا احیای محله به شکلی کارآمد و مؤثر صورت پذیرد. از این‌رو این پژوهش در پی مطالعه و تحلیل سازمان‌دهی فضایی مراکز محله در محله سنگلج است تا از این طریق بتوان راهکار مناسبی را در جهت بازآفرینی محله، استخراج نمود.

۳. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با نگرش تحلیلی به مسئله معضلات بافت‌های فرسوده شهری به‌ویژه محلات تاریخی و جایگاه ویژه مراکز محله در آن‌ها در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

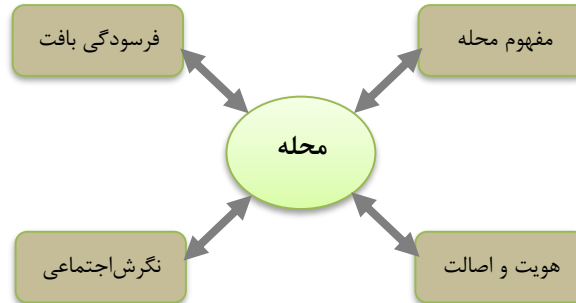
- جایگاه مرکز محله در نظام عملکردی محله سنتی چیست؟
- تحولات مدرن چه تأثیری بر روابط درون محله‌ای داشته است؟
- راهکارهای بازیابی روابط فضایی در محله سنتی براساس نظام مراکز محله در وضعیت امروزی آن منطبق بر نیازهای معاصر چیست؟

۴. پیشینه پژوهش

اهمیت نظام محله در گذشته و حال و همچنین معضل فرسودگی در پهنه‌های تاریخی شهر، همواره موضوعیتی بوده که موردتوجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. در تناسب با این پژوهش، مطالعات پیشین را می‌توان در چهار حوزه مورد کندوکاو قرار داد. در درجه اول مطالعه مفهوم محله در شهر سنتی یکی از حوزه‌های موردبحث است، نظیر پژوهش حسینی و سلطانی (۱۳۹۷) که با مطالعه تطبیقی مفهوم محله در گذشته و الگوی جایگزین آن در دوران معاصر به دنبال واکاوی تفاوت‌های الگوی جدید و سنتی محله در راستای بهبود کیفیت محلات فعلی است. حوزه دیگری که در ارتباط با محله موردتوجه این پژوهش است، مطالعات پیرامون فرسودگی محلات سنتی و معضلات آن‌ها در ساختار شهری است. مانند پژوهش عندلیب و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله تأثیر توسعه شهر تهران بر گسترش بافت‌های فرسوده، که به بررسی نقش توسعه یک سده اخیر شهر در فرسودگی محلات پرداخته و توجه به به‌سازی بافت‌های کهن مرکزی را ضرورت چشم‌انداز توسعه تهران می‌داند. حوزه مطالعاتی سوم متأثر از روابط اجتماعی و جامعه شهروندی محلات تاریخی است که نمونه آن را احمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های فرسوده تاریخی، ارائه داده است که به نقش اجتماع در محله و احیای آن اشاره دارد. مبحث دیگر

مقاله هویت و اصالت در محلات می‌باشد. نمونه آن در مقاله مجیدی و حیدری (۱۳۹۵) تحت عنوان ارزیابی هویت مکانی محله‌های شهری، قابل‌رؤیت است که به نقش این مؤلفه در نسبت اجتماع و محله پرداخته است. این زمینه‌های مطالعاتی و ارتباط آن‌ها با موضوع محله در نمودار ۱ ارائه گردیده است.

به صورت کلی بیشتر پژوهش‌های حوزه موردنظر در پی ارائه رویکردی نو به موضوع محله در راستای احیا آن می‌باشند. در این میان نظام عملکردی تاریخی محله و توجه مجدد به بازیابی آن همسو با تعاریف و کارکردهای نوین، مبحثی است که می‌تواند بیشتر موردتوجه قرار گیرد. اصالت تاریخی محلات در نظام شهری و ارتباط مناسب کالبد و اجتماع در محلات پیشین، این موضوع را به بحثی قابل‌توجه در ارائه راهبردهای بازآفرینی محلات سنتی فرسوده بدل می‌کند. لذا این پژوهش در جهت ارائه راهکارهای احیا، با نگرش به مطالعات گذشته، به الگوها و روابط سنتی در محلات توجه دارد.



نمودار ۱: حوزه‌های مطالعاتی پیرامون بحث محله، مأخذ: نگارنده.

۵. روش تحقیق

این پژوهش با نگرش کاربردی به مسئله، به دنبال واکاوی نقش مراکز محلات در روابط فضایی محله در شهر سنتی و احیای محله براساس بازیابی اصول آن است. لذا در این مسیر محله سنگلج تهران به سبب حافظه تاریخی آن و معضلاتی که امروزه با آن درگیر می‌باشد، انتخاب شده است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-توصیفی بوده که با مطالعه کتابخانه‌ای به تبیین مبانی پژوهش در ارتباط با مفهوم محله و مرکز محله پرداخته و با بررسی اسنادی به واکاوی نظام مراکز محله در بافت فرسوده محله سنگلج اقدام می‌نماید. همچنین در جهت بازخوانی وضعیت معاصر محله از بررسی میدانی استفاده شده است. در نتیجه این روند، تحلیل سامان‌دهی صورت پذیرفته و رهیافت آن به بازآفرینی شهری کارآمد مورد تبیین قرار می‌گیرد.

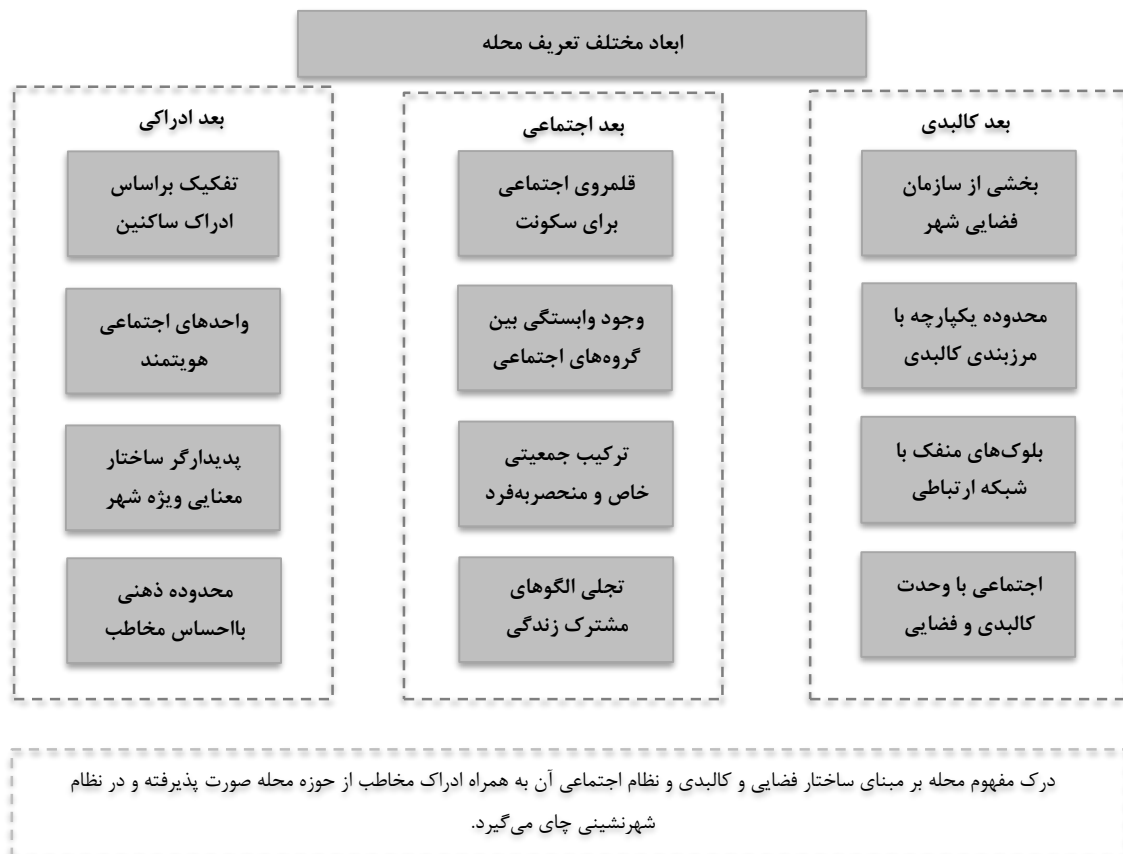
۶. مبانی نظری

فرسودگی امروزه واژه‌ای عجیب شده با بسیاری از پهنه‌های تاریخی در شهرها است. علاوه بر عامل زمان، تحولات شتابان جهان مدرن به این فرآیند سرعت دوچندان داده و تولید مکرر نیازهای جدید شهروندی، همواره بر ناکارآمدی این بافت‌ها افزوده است. بافت فرسوده به شکل کلی محدوده‌ای از شهر است که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از اصل دسترسی، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و ارزش مکانی، محیطی، اقتصادی پایینی دارد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۴). در این میان ارزش تاریخی برخی از این بافت‌ها موجب تمایز آن‌ها از سایر پهنه‌های فرسوده می‌شود. این بافت‌های تاریخی، علیرغم فرسودگی در گستره بناها، دارای مجموعه فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش و یا ترکیبی از آن‌ها هستند. شناسایی این عناصر موجب می‌گردد تا بهره‌گیری از میراث‌ها و نقش هویت‌بخش آن‌ها در مواقع مداخله موردتوجه قرار گیرد (شفایی، ۱۳۸۵: ۹). لذا نوع نگرش احیا در محلات فرسوده با توجه به اصالت و حافظه‌ی تاریخی آن‌ها، متفاوت است. از این‌رو اهمیت بررسی الگوها و روابط سنتی در محلات تاریخی نمایان می‌گردد.

در همین راستا واکاوی نظام عملکردی در شهر سنتی که هدف اصلی این پژوهش است، نیازمند مطالعه اجزا شهر سنتی است. چراکه خوانش و درک شهر تاریخی از طریق شناخت و بازخوانی عناصر و ساختارهای آن امکان‌پذیر است (قدکیان و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۲). از طرفی تحولات تاریخی شهرها در گذر شهر سنتی به شهر مدرن خوانش صحیح اجزا و عناصر آن را به امری مشکل تبدیل کرده است. لذا این بررسی نیازمند مطالعه عنصر اصلی آن یعنی محله است. به دنبال این کندوکاو، مرور مبانی مرتبط با مرکز محله به‌عنوان کانون حیاتی محلات در گذشته نیز قابل‌توجه است.

۱.۶. محله

واژه محله، مفهومی کهن و پیچیده در ادبیات شهر و شهرنشینی است. این مفهوم یکی از اساسی‌ترین تعاریف در تاریخ شهرسازی ایران است که از ابتدای شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی ایران ایجاد شده و با فرهنگ‌عامه گره‌خورده است. برای تعریف محله هر یک از حیطه‌های مختلف علمی با توجه به زمینه‌های نظری خاص خود و زاویه نگاه ویژه به مفهوم محله، به شرح و کاربرد آن پرداخته‌اند که نشان از ساختار چندوجهی و پیچیده بودن آن دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶). محله و بافت شهری دربرگیرنده تمام فضاها و عناصر تشکیل‌دهنده ساختار شهر و به‌طورکلی، بیانگر، ماهیت آن است که از عوامل گوناگونی مانند موقعیت جغرافیایی، شکل شهر، باورهای مردمی و عوامل دیگر تأثیر می‌پذیرد (رمضان‌جماعت و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۷۶). لذا علاوه بر نگرش‌های گوناگون به این موضوع بستر شکل‌گیری محله نیز می‌تواند در ارائه تعریف آن مؤثر باشد. در نمودار ۱ دسته‌بندی نگرش‌های تعریف محله بر مبنای سه رکن کارکردی، اجتماعی و ادراکی ارائه شده است.



نمودار ۲: دسته‌بندی تعاریف محله و بررسی مؤلفه‌های آن‌ها، مأخذ: نگارنده.

این تحلیل بیش از همه بیانگر وابستگی مفهوم محله به نگرش و رویکرد ساختاری تعریف مسئله است. در واقع تعریف کالبد و روابط فضایی محله فارغ از ساختار اجتماعی و جمعیتی آن نمی‌تواند جامعیت لازم را در جهت انتقال مفهوم اصلی آن داشته باشد. از طرفی بیش از همه حوزه ادراک افراد به جهت معنا دهی به حیطه محله موضوعی مهم در چارچوب‌بندی تعریف آن می‌باشد. به صورت کلی از آنجایی که حدود مؤلفه‌های تعریف محله متغیر است و بسته به ساختار فیزیکی و کالبدی بناها و شکل بصری آن‌ها، نوع دسترس‌ها و وضعیت توپوگرافی طبیعی آن، و ویژگی‌های فردی و جمعی ساکنین (بعد محتوایی-باطنی)، مانند روابط اجتماعی، فرهنگ، تجارب، اکتسابات و... است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸)، تعریف محله برای افراد مختلف و در مکان‌های متفاوت یکسان نیست.

۲.۶ مرکز محله

اجزای یک محله یعنی معابر اصلی و فرعی، گذرهای عابر پیاده، مرکز محله، مراکز فرعی، عملکردهای تجاری و خدماتی و مسکونی در تعامل با یکدیگر می‌باشند، که مهم‌ترین آن‌ها مرکز محله به‌عنوان سازمان‌دهنده دیگر اجزا است. با ایجاد یک مرکز اصلی در سطح محله و شبکه‌ای از مراکز فرعی که یادآور مرکز اصلی هستند، می‌توان حرکت تعاملی و نیروهای پیونددهنده در مرکز اصلی را به‌تمامی محله گسترش داد. به‌این‌ترتیب ساکنان محله خود را در نظمی سهیم می‌یابند که توسط استخوان‌بندی محلی ایجاد شده است (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۸). مرکز محله فضای شهری در مقیاس محله می‌باشد که در گذشته دارای اهمیت ویژه بوده است اما در زمان معاصر نقش آن به فراموشی سپرده شده و دیگر کارکرد سابق را ندارد و برای ساکنین محله تنها فضای عبوری است. این از طرفی است که الگویی جهت جایگزینی این عنصر شهری و پاسخگویی به نیازهای انسان هنوز در شهرهای ایران معرفی نشده و لذا بسیاری از محله‌ها فاقد عنصر شهری تأمین‌کننده نیازهای کارکردی، فعالیتی و اجتماعی می‌باشند. مرکز محله یکی از فضاهای عمومی شهری است که با ارائه خدمات عمومی، نیازهای ضروری ساکنان را تأمین می‌کند. مرکز محله به‌عنوان فضای عمومی نیز می‌بایست زمینه ارتباطات اجتماعی-فرهنگی را فراهم کند. چراکه کیفیت اجتماعی و فرهنگی از ملزومات هرگونه فضای عمومی شهری می‌باشد. کیفیتی که اکنون در اکثر فضاها بسیار کم‌رنگ شده است. مرکز محله دارای مفهوم و کارکردی چندوجهی است که در مواجهه با رویکردهای گوناگون تعاریف متفاوتی از آن ارائه می‌گردد. در جدول ۲ به برخی از آن‌ها اشاره شده است. به‌صورت کلی می‌توان گفت که مرکز محله فضایی خدماتی-اجتماعی است که از یک سو ارتباط‌دهنده فضاهای عمومی و عملکردهای خدماتی در محله با واحدهای مسکونی بوده و از طرف دیگر مکانی برای جذب و مراجعه ساکنین و ایجاد تعاملات اجتماعی و انجام امور فرهنگی است.

جدول ۱: برخی تعاریف ارائه شده پیرامون مفهوم مرکز محله

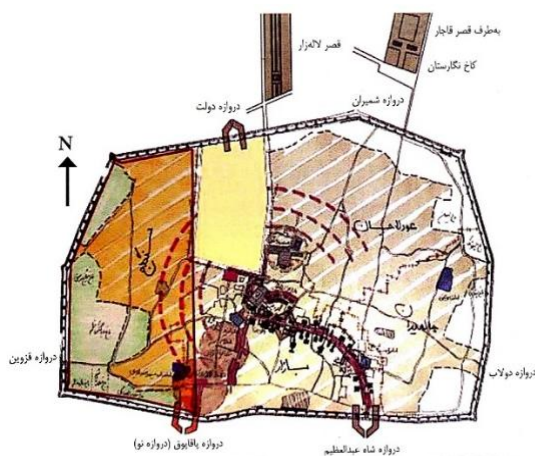
تعریف	محقق/سال
زنجره‌ای متشکل از مغازه‌ها، به همراه یک عبادتگاه و یک تالار گردهمایی به صورت میدانی با سه ضلع به صورت گذر مسقف و ضلع چهارمی در جهت تبدیل کردن میدان به محور پیاده-ادغام کاربری مسکونی به مرکز محله.	مدنی پور ۱۳۸۷
مرکز محله امکاناتی از قبیل ایستگاه‌های حمل و نقل، فضاهای کار، خرده‌فروشی، امکانات جمعی، فعالیت‌های تفریحی را باید در برداشته باشد و همچنین خیابان‌ها باید برای پیاده و سواره مسیره‌های مناسب برای رسیدن به مرکز محله را فراهم آورد.	دوانی ۲۰۰۳
دسترسی مناسب به امکانات خرده‌فروشی، تفریحی، بهداشتی و آموزشی بدون استفاده از ماشین در جهت این مسئله منجر به کاهش آلودگی و کاهش استفاده از انرژی می‌شود که این خود تسهیل‌کننده شبکه‌های دوستی و حس اجتماعی است.	بارتون ۲۰۰۳
در جهت کاهش و تعدیل تقاضای سفر و افزایش سرزندگی در محیط‌های مسکونی، فعالیت‌های مجاز به استقرار شامل خدمات انتفاعی و غیرانتفاعی و همچنین واحدهای تجاری خرد، برای رفع نیازهای خدماتی و مایحتاج روزمره ساکنین، با عملکرد در مقیاس محله ساماندهی می‌شوند.	طرح تفضیلی تهران ۱۳۹۱
مرکز محله، حس مکان و مرکزیت را تقویت می‌کند، محله باید مرکزی متشکل از کاربری‌های مختلط نظیر ایستگاه اتوبوس واحدهای مسکونی بر روی مغازه‌ها، بازارچه، پارک، سالن اجتماعات، تعدادی مغازه برای نیازهای روزانه داشته باشد.	حسینی و همکاران ۱۳۸۹

مأخذ: نگارنده

محدوده مورد مطالعه

محله سنگلج، یکی از ۱۳ محله منطقه ۱۲ شهر تهران است که با مساحت حدود ۱۱۳ هکتار در ناحیه ۳ از تقسیمات ناحیه‌ای منطقه ۱۲ قرار گرفته است. محدوده این محله از شمال به خیابان ۱۵ خرداد، شرق به خیابان خیام، جنوب به مولوی و از غرب به خیابان وحدت اسلامی می‌رسد. با توجه به آنکه در گذشته محدوده پارک شهر در شمال منطقه جزئی از محله بوده لذا محدوده فعلی محله که در نقشه‌های شهرداری آمده است، نسبت به محدوده قدیم این محله کوچک‌تر است و محدوده خیابان پانزده خرداد تا شمال پارک شهر از آن خارج گردیده است (تصویر ۱).

محله سنگلج در دوره قاجار جزء پنج محله اصلی شهر محسوب می‌گردیده و چهار محله‌ی تاریخی دیگر نیز در همسایگی این محله واقع شده بودند (تصویر ۲). شهر تهران به‌طور کلی به ۵ محله تقسیم می‌شد: سنگلج، عودلاجان، چاله میدان، بازار و ارگ (نجفی، ۱۳۸۶). برخی وجه تسمیه سنگلج را "سنگ رج" دانسته‌اند و آن را مربوط به محل رج‌بندی و تقسیم آب با پاره‌های سنگ ذکر کرده‌اند (کریمان، ۱۳۵۵: ۱۳۹). یکی از مهم‌ترین عناصر شهری که موجب شده تا تاریخ سکونت در این محله بسیار قدیمی باشد، نقش اماکن مذهبی در محدوده محله و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری اجتماعات انسانی و نواحی مسکونی است. امامزاده سید نصرالدین در شرق محله و امامزاده زید و امامزاده سید ولی در غرب بازار از مهم‌ترین این اماکن در محدوده محله سنگلج هستند که شکل‌گیری سکونتگاه در این محدوده را از دیرباز ممکن می‌سازد. در گذشته سنگلج دارای چندین گذر بود که گذر شمالی آن، گذر تقی‌خان و جنوبی، گذر شریف الدوله بود که به درخونگاه منتهی می‌گردید. گذر شرقی تکیه سنگلج نیز مستقیماً به بازارچه‌ی سنگلج مربوط می‌شد. محله سنگلج از روزگار گذشته دارای یک و یا چندین کدخدای و ریش‌سفید بود که سرشناس‌ترین آن‌ها کدخدا حاج میرزا زکیخان بود. زکیخان متصدی امر تدارکات و هزینه چراغانی و تنظیم امور دسته‌های عزاداری بود. یکی دیگر از اشخاص سرشناس سنگلج (میرزا کرنا) بود. کربلایی عباسعلی گمرکچی نیز از چهره‌های معروف سنگلج بوده است. اما از شخصیت‌های بزرگ و عالی‌قدر این محله، آیت‌الله سید محمد طباطبایی و آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی از زعمای مشروطیت و روحانیون طراز اول تهران قدیم بودند (نجفی، ۱۳۸۶: ۱۹).



تصویر ۲: موقعیت محله سنگلج از ابتدا تا دوره ناصری. سروشینی، ۱۳۹۵



تصویر ۱: محدوده فعلی محله سنگلج، مأخذ: نگارنده

در سال ۱۳۱۲ و تصویب قانون توسعه معابر و پیدایش خیابان‌های صلیبی شکل در شهر تهران موجب تحولات ساختاری در بافت محله می‌شود. خیابان ۱۵ خرداد در شمال محله سنگلج فعلی ایجاد شده و خیابان عمود بر آن به نام خیام به وجود می‌آید و ساختار نوینی را به شهر تحمیل کرده و باعث گسست ارتباط کالبدی-فضایی گذر بازارچه معیر در محله سنگلج با بازار می‌شود. این دگرگونی‌ها سرآغازی بر فرسودگی محله شده و با گذشت زمان، محله سنگلج از شرایط مناسب خود خارج گشته و به‌مرورزمان به بافتی ناکارآمد و با معضلات عدیده تبدیل می‌شود. در محله‌های فرسوده نظیر سنگلج، شرایط محیطی و کالبدی بافت در بسیاری از موارد فضاهای نامی را برای سکنه خود به وجود می‌آورند. محل‌های مخروبه و نامناسب کالبدی، در کنار حضور افراد غریبه و ناشناس در محله و کاربری‌های نامتناس با بافت جمعیتی ساکن، مهم‌ترین عوامل این نامنی‌ها هستند. به صورت کلی این قبیل بافت‌های تاریخی به دلیل ساختار سنتی، فرسودگی

واحدهای مسکونی، دشواری دسترسی، ضعف زیرساخت‌ها و تشکیلات زیست‌محیطی سیر رکود و عقب‌ماندگی را طی می‌کنند (پورزرگر، ۱۳۹۳، ۴۱). در جدول زیر برخی از معضلات بافت فرسوده سنگلج در ابعاد مختلف آمده است:

جدول ۲: معضلات بافت فرسوده سنگلج از جنبه‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی

ردیف	معضلات محله	جنبه
۱	عدم روشنایی مناسب در کوچه‌های فرعی و بن‌بست‌های محله	کالبدی
۲	وجود اماکن مخروبه و بدون سکنه	کالبدی
۳	فرسودگی عملکردی بافت و جایگزینی کاربری‌های نامتجانس با فضای مسکونی	کالبدی
۴	جداره‌های صرفاً تجاری و کاملاً تعطیل در طول شب	کالبدی-اقتصادی
۵	هم‌جواری با بازار بزرگ و نفوذ کاربری تجاری کلان به داخل محله	کالبدی-اقتصادی
۶	وجود کارگاه‌ها و انبارها داخل محله و افزایش تردد درون محله‌ای	کالبدی-اجتماعی
۷	سکونتگاه‌های کارگری و مهاجری	کالبدی-اجتماعی
۸	تردد وسایل نقلیه باری و عبوری از معابر تنگ و پیاده محور	کالبدی-اجتماعی
۹	کمبود فضاهای سبز و بازی در مقیاس محله	کالبدی-اجتماعی
۱۰	مهاجرت درون‌شهری، جابه‌جایی ساکنین با اصالت محله و جایگزینی طبقه فرودست	اجتماعی
۱۱	پایین بودن امنیت سکنه در شب	اجتماعی
۱۲	استقرار بی‌خانمان‌ها و معتادان و کاهش امنیت و افزایش بزهکاری	اجتماعی
۱۳	پایین بودن شاخص‌های فرهنگی محله	فرهنگی-اجتماعی
۱۴	پایین بودن شاخص‌های کیفیت زندگی در محله؛ سلامت جسمی، روانی و اجتماعی	اجتماعی-محیطی
۱۵	پایین بودن سطح بهداشت و آلودگی‌های صوتی و محیطی	زیست‌محیطی

مأخذ: نگارنده

واکاوی جدول فوق بیش از همه، مشکلات عدیده کالبدی محله سنگلج را بازگو می‌کند. به‌گونه‌ای که ابعاد دیگر معضلات درون محله وابستگی زیادی به فرسودگی کالبدی و ناکارآمدی بافت این پهنه شهری دارد. لذا می‌توان بازنگری کالبدی را مهم‌ترین مسئله در احیای این بافت فرسوده عنوان داشت. اما نمی‌توان نقش سایر وجوه را نیز نادیده گرفت. اجتماع ساکن محله امروز بیشتر متشکل از افرادی است که از طریق مهاجرت درون‌شهری و یا سایر شهرها به این محله آمده و موضوعیت هویت مکانی و حس تعلق در آن دچار خلل شده است. لذا مواجهه با بافت‌هایی نظیر سنگلج نیازمند نگاه چندجانبه و سیال است، تا بتوان تعادلی منطقی میان نیروهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی محله برقرار ساخت. همان‌گونه که در دوران گذشته محله و ساکنین آن، به ایستایی و ثبات رسیده بودند.

۷. یافته‌ها

پس از مطالعه مفهوم محله، مرکز محله و بررسی محله سنگلج به همراه واکاوی تحولات آن، اکنون می‌توان جایگاه مراکز محله را در ساختار محله سنگلج استخراج نمود و از طریق آن به تحلیل مؤلفه‌های فضایی آن پرداخت. از همین منظر با توجه به گستردگی محله سنگلج و نیاز پژوهش به یافتن شبکه منسجم از مراکز محلات، شمال محله در حدفاصل گذر قلی و بازارچه معیر تا گذر درخونگاه و چال حصار در نظر گرفته شده است (مطابق تصویر زیر) و مراکز محله آن مشخص می‌گردد.

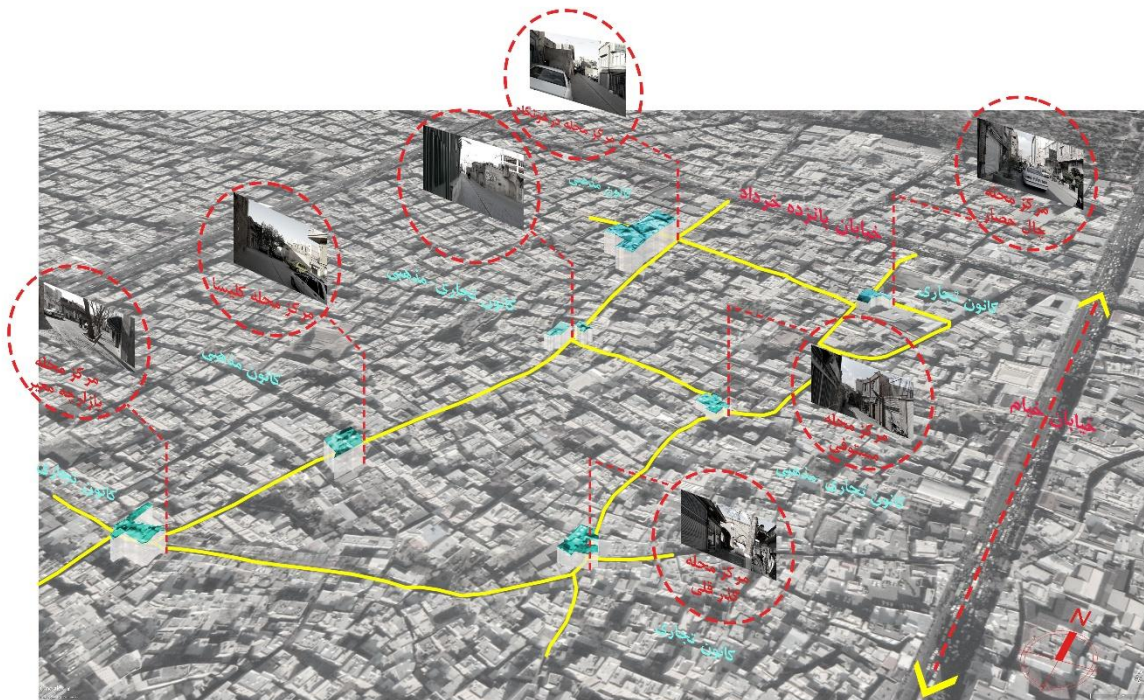


تصویر ۳: محدوده شمالی محله سنگلج و گذرها و مراکز محلات مهم آن، مأخذ: نگارنده.

با توجه به تعاریف ارائه گردیده در ارتباط با مفهوم مرکز محله می‌توان در گذرهای این محدوده مراکز محلاتی را شناسایی کرد که به‌واسطه ارتباط شبکه‌ای این فضاها با یکدیگر، به صورت تعاملی و مکمل عمل کرده و نیازهای کل این مجموعه به شکل زنجیره‌ای از فضاها تأمین می‌شده است. این مراکز محله شامل: مرکز محله درخونگاه، مرکز محله گذر مستوفی، مرکز محله چال حصار، مرکز محله گذر قلی، مرکز محله کوچه کلیسا و مرکز محله بازارچه معیر است. ویژگی مهم این

مراکز پیوستگی آن‌ها به‌وسیله سلسله مراتبی از شبکه مسیرها است که امکان ایجاد سیستم دسترسی یکپارچه سواره و پیاده را فراهم‌شده و در کنار آن مراکز محله پدید آمده تا افراد برای رفع نیازهای مختلف خود به هرکدام از این مراکز مراجعه کنند.

نظام سامان‌دهی محلات قدیم منطبق بر الگوی نامنظم بوده که در درون خود انضباطی پنهان و کارآمد داشته است. شبکه راه‌ها در واقع شریان حیاتی محله بوده که از این طریق دسترسی افراد به کاربری‌های مختلف نهفته در مراکز محله تأمین می‌شده است. این سامانه حرکتی و فعالیتی منطبق بر نیاز ساکنین محله در سالیان متمادی فراهم آمده و در طول زمان با آن تطبیق یافته است. همان‌طور که در اهداف و بیان مسئله این پژوهش مطرح گردید، می‌توان با بازیابی این الگوی مهم در محله سنگلج، راهکارهای مناسبی را در جهت احیا کارآمد بافت و بازآفرینی منطبق بر نیازهای روزآمد ساکنین را جامه عمل پوشاند. از همین منظر شبکه توصیف شده در محدوده شمالی محله سنگلج مطابق تصویر ۴ مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. این بازخوانی نشان می‌دهد باوجود تغییرات ساختاری و عمده در این پهنه شهری، هنوز فضاهای پایه و اساسی مراکز محله به قوت خود باقی بوده و شبکه ارگانیک راه‌ها باوجود تغییرات عمده و ورود عنصر اتومبیل به آن هنوز شکل خود را حفظ کرده است. این نظام مراکز محله منطبق بر کاربری‌های جمعی می‌باشد که هرکدام در جای خود به نیازی پاسخگو هستند. فعالیت مذهبی در این مراکز با توجه به ریشه‌های محله هم با مسجد تاریخی تأمین می‌گردد و هم با عنصر کلیسا، که در آن قابل‌رؤیت است. از طرفی خرده کاربری‌های تجاری وجه قالب اکثریت این مراکز محله است. با در نظر گرفتن کمبودهای کالبدی و اجتماعی که در جدول ۳ به آن‌ها پرداخته شد می‌توان در احیای این نظام عملکردی به آن‌ها توجه کرد و از همین رو محله را منطبق بر جامعه معاصر احیا نمود.



تصویر ۴: بازیابی جایگاه مراکز محله سنتی و شبکه معابر پیوسته آن در وضعیت امروز محله سنگلج تهران، مأخذ: نگارنده.

۸. بحث و نتیجه‌گیری:

براساس واکاوی روابط فضایی سنتی در وضعیت فعلی محله سنگلج می‌توان ردپای شبکه مراکز محله را هنوز درون آن مشاهده کرد. این مجموعه زیستی، معابر و گذرهایی را شامل می‌شود که زمانی پیاده محور بوده و ضمن کارکرد اتصال نقاط مختلف محله، به‌نوعی بخشی از فضای شهری مراکز محله بوده است. توقف و تعامل در حین حرکت در مسیر بخشی از رفتارهای شهروندی در دوران گذشته بود که با ورود اتومبیل به آن و اضافه شدن مفهوم حرکت و سرعت به محله جایگاه خود را از دست داد. همچنین مراکز محله هرکدام با محوریت یک بنا و یا کاربری شاخص درواقع نقاط کانونی محله را تشکیل می‌داده‌اند. نکته قابل‌تأمل در این نظام فضایی موضوعیت هرکدام از فضاها از جمله کارکرد و فاصله بین مراکز است. درواقع شهر کهن و محله سنتی با ایجاد تعادل میان مراکز محله چه از لحاظ کارکردی و چه از لحاظ فاصله به‌گونه‌ای رفع نیازهای گوناگون شهروندان را درون محله‌ای کرده است. از این‌رو محله سنگلج که همراه خود هویت تاریخی از بدو شکل‌گیری شهر تهران را دارد، با ایجاد این مجموعه زیستی درون خود به‌واقع فضایی پایدار و باقابلیت ایجاد کرده است. از همین منظر می‌توان بیان نمود که توجه به موضوع کارکردی این موارد در بازنگری محله می‌تواند بسیار راهگشا باشد چراکه با مطالعه و بررسی صورت گرفته استدلال می‌گردد که باوجود تحولات اساسی محله، هنوز نظام ارگانیک آن در دسترس و قابل احیا می‌باشد و می‌توان باززنده‌سازی وجوه مختلف محله سنگلج را با نگرش درون محله‌ای در نظر گرفت و به تدوین راهکارهای کارآمد و به‌تسا سب جامعه معاصر رسید. از همین رو و با توجه به مطالعه صورت گرفته در این پژوهش راهبردهای زیر در جهت احیای محله منطبق بر نقش مراکز محله در آن می‌تواند مدنظر قرار گیرد:

- توجه به شبکه معابر به‌عنوان سیستم دسترسی به مجموعه فضاهای شهری؛ به‌گونه‌ای که مسیر و گذر از عبور صرف خارج‌شده و خود تبدیل به فضای شهری شود.
- احیای نقش مراکز محله به‌عنوان کانون خرده محلات و فضای شهری درون محله‌ای.
- توجه به جنبه‌های عملکردی مراکز محله و تقسیم کارکردها به‌جای متمرکز کردن آن‌ها در یک مرکز در جهت تعامل نقاط مختلف و تبادل عملکردی آن‌ها.
- حفظ عناصر اصلی هر مرکز محله (کلیسا، مسجد، مدرسه، فضای تاریخی، بازار) در جهت شاخص‌سازی فضای شهری و هویت بخشی به هر قسمت از محله.

- ارتقای پیاده‌محدوری در سطح محله و احیای تعاملات محله‌ای گذشته.
- توجه به اقشار مختلف محله از نظر جنسیت، سن و نوع اندیشه، به جهت برقراری همبستگی و احیای هویت مکانی محله.
- ایجاد کاربری‌های جذاب و نو در کنار کارکردهای قدیمی در هر مرکز به جهت افزایش اقبال عمومی به این قبیل فضاها.
- کنترل نفوذ عملکردهای فرامحله‌ای به داخل محله و تثبیت کاربری‌ها به تناسب نیاز جمعیتی درون محله.

۷. منابع

۱. احمدی، مارال، عندلیب، علیرضا و همکاران. ۱۳۹۸. تحلیلی بر جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با به‌کارگیری معادلات ساختاری. نشریه دانش شهرسازی. ۳(۲): ۴۹-۶۳.
۲. پورزرگر، محمدرضا، ۱۳۹۴، باززنده‌سازی و احیا بافت فرسوده با رویکرد حفظ هویت مسکن؛ نمونه موردی محله جویباره اصفهان. نشریه باغ نظر. ۱۲(۳۷): ۵۲-۴۱.
۳. حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه. ۱۳۸۴. مرمت شهری؛ تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. حسینی، اکرم و حبیبی، فرح. ۱۳۸۹. تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده جهانی‌شدن، نشریه هویت شهر. ۴(۶): ۲۹-۳۸.
۵. حسینی، سید فخرالدین و سلطانی، مهرداد. ۱۳۹۷. تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوی مشابه (جایگزین) دوره معاصر. نشریه باغ نظر. ۱۵(۶۰): ۱۵-۲۸.
۶. حناچی، پیروز و رضایی، نعیمه. ۱۳۹۴. بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی سکونت در محلات؛ نمونه موردی: محله عودلاجان در تهران. نشریه هنرهای زیبا. ۲۰(۱۰): ۳۱-۴۰.
۷. رمضان جماعت، مینا و اکبری، زینب. ۱۳۹۲. تحولات بافتی تهران در دوره قاجار؛ تغییرات ایجادشده در نحوه قرارگیری خانه‌ها نسبت به معابر شهری. نشریه جامعه‌شناسی تاریخی. ۱۵(۱): ۱۷۵-۲۰۲.
۸. سروشیانی، سهراب. ۱۳۹۵. محله سنگلج. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی زیر نظر شهرداری تهران.
۹. شقایب، سپیده. ۱۳۸۵. راهنمای شناسایی و مداخله در بافت‌های فرسوده (مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی ایران - خرداد ۱۳۸۴). تهران: انتشارات شرکت ایده‌پردازان.
۱۰. ضوابط و مقررات طرح تفصیلی جدید شهر تهران. ۱۳۹۱. شهرداری تهران معاونت شهرسازی و معماری.
۱۱. عبدالهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله. ۱۳۸۹. بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۷۲: ۸۳-۱۰۲.
۱۲. عزیزی، محمدمهدی و حبیبی، سارا. ۱۳۸۸. تحلیلی از نظام مراکز محلات شهر تهران نمونه موردی: شهرک قدس. نشریه شهر نگار. ۵۲: ۳۷-۴۹.
۱۳. عندلیب، علیرضا، مسعود، محمد و یوسفی‌آذر، سوگند. ۱۳۹۳. تأثیر توسعه شهر تهران بر گسترش بافت‌های فرسوده. نشریه باغ نظر. ۱۱(۳۰): ۳-۱۴.
۱۴. فدکیان، سید محمدرضا، بیگزاده شهرکی، حمیدرضا و اولیا، لیلی. ۱۳۹۶. بازخوانی و بازشناسی ساختار و سیر تحول تاریخی محله امامزاده جعفر(ع) یزد تا پیش از تغییرات دوران معاصر. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک. ۵(۵): ۵۱-۶۹.
۱۵. کریمان، حسین. ۱۳۵۵. تهران در گذشته و حال. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۱۶. مجیدی، بتول، حیدری، سامان. ۱۳۹۵. ارزیابی هویت مکانی محله‌های شهری، مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران، محله سنگلج. نشریه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری. ۸(۲): ۱۳-۲۲.
۱۷. مدنی‌پور، علی. ۱۳۸۷. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه فرشاد نوربان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۸. نجفی، ناصر. ۱۳۸۶. تهران قدیم. تهران: انتشارات جانزاده.

۱۹. Barton, H. 2003. Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality. London: Spun Press.

۲۰. Duany, A, Zyberk – Plater E & Alminana, R. 2003. The New Civic Art: Elements of Town Planning. New York: Rizzoli.